



فرصت‌های اجتماعی برابر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

حمید نوایی لواسانی

همیشه سهمی از وظایف را به دوش کشیده‌اند. با این حال، انصاف حکم می‌کند اقرار کنیم که نوع وظایف و نقش‌ها، تقسیمی عادلانه و بدون کاستی نبوده است.

پس از رنسانس در اروپا و تحول سریع تفکر اندیشمندان جوامع، در جهت خردورزی پوزیتیویستی و مکانیکی و تسلط بی‌چون و چرا بر نیروهای طبیعی و اجتماعی، تبعیض نسبت به نقش زنان و عدم تساوی در حقوق فردی و

در طول تاریخ زندگی بشر، پیش از آغاز تمدن و شهرنشینی و پس از آن، همیشه شکل‌های گوناگونی از تقسیم کار خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی وجود داشته است. زن و مرد در نظام طبیعت، به عنوان دو نیروی مکمل و تداوم‌بخش حیات جمعی، سخت کوشیده‌اند و یکی آرمان عشق و آفرینش و دیگری نماد سخت‌کوشی و اقتدار بوده است. هیچ‌گاه این دو نیرو، به شکلی منفعل و غیرسازنده در صحنه زندگی ظاهر نشده‌اند و

بر حقوق بشر به دور از جنسیت و سن و فراهم آوردن زمینه‌ها و شرایط خودشکوفایی، رشد کمال انسانی و تحقق تمامیت خویش، به طور جدی از سوی نهادهای مدنی مطرح شد. «تجدید ساختار بنیادی روابط خانوادگی، فقط آغاز کار است. کل موقعیت بشر در معرض یک نقطه انفصال قرار گرفته است. نابرابری‌های پذیرفته شده در طول

● امروزه توجه به حقوق کودکان و از جمله زنان، در تمام جهان به نهضتی فراگیر تبدیل شده است و این به معنای وجود نگرش‌های غلط و تبعیض‌آمیز در همه کشورهاست

تاریخ و نقش‌هایی که تاکنون به دقت تعریف و رعایت شده، اکنون کاملاً مورد تجدید نظر قرار گرفته است. ناگهان در زمان ما نهضت حقوق مدنی به سرعت نضج می‌گیرد، اقلیت‌ها، زنان، معلولین کودکان، مصرف‌کنندگان، زندانیان و افراد مسن فعالانه حقوق خود را طلب می‌کنند.^(۱)

امروزه توجه به حقوق کودکان و زنان، در تمام جهان به نهضتی فراگیر تبدیل شده است و این به معنای وجود نگرش‌های غلط و تبعیض‌آمیز در همه کشورهاست. «به موجب گزارشی که سازمان ملل در نوامبر سال ۱۹۹۵ منتشر کرد، هر سال در چین، هند، افغانستان، بنگلادش، پاکستان، یونان، نپال، گینه جدید و ترکیه ۸۰ الی ۱۰۰ میلیون زن ناپدید می‌شوند به علل مختلف؛ چون قتل نوزاد دختر، بدرفتاری با زن، رها کردن و سقط‌جنین (اگر معلوم شود که دختر است)؛ خاصه امروزه در هند^(۲) و یا در کشوری مانند انگلستان، کماکان زن بودن حساسیت‌برانگیز است. زمانی که هری پاتر

اجتماعی آنان افزایش یافت و اندیشه‌ای که بیشتر خشن، سلطه‌گر و از جنس تفکر مردانه بود، نیروی مسلط، مولد و پیشبرنده اجتماعی شد؛ اندیشه‌ای که رها از فشارهای کلیسا، شتابزده می‌تاخت تا همه چیز را تحت سلطه خود درآورد و دگرگون کند و در این میان، توجهی به نیروهای متنوع، مؤثر و پنهان اجتماعی نداشت. دستاوردهای عظیم بشری در قرون ۱۸ و ۱۹، در زمینه‌های علمی، فلسفی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، یکسونگری و خودخواهی این نیروی مسلط دوران را افزایش داد، اما دیری نپایید که بروز مسایل و دغدغه‌های حاصل از این رویکرد، از جمله ظهور فاشیسم و بروز جنگ‌های اول و دوم جهانی و به طبع آن ترویج تفکر پوچ‌گرایی و یأس اخلاقی و فلسفی، شکل‌گیری جهان دوقطبی و ظهور سلاح‌های مخرب هسته‌ای، تخریب زیستگاه‌های طبیعی و نیز رواج خشونت در میان شهروندان جوامع غربی، متفکران را بر آن داشت تا در دیدگاه‌ها و یافته‌های خود تجدیدنظر کنند.

تاریخ شکل‌گیری و تحولات مدرنیسم و مدرنیته، حاصل چنین تلاش‌هایی در قرن بیستم بوده است؛ مکاتب علمی به فلسفه‌های انسانی‌تری متکی شدند و بی‌اعتنایی به ساز و کارهای طبیعت در شکل‌گیری اختراعات و ابتکارات، کم‌رنگ‌تر شد. مطلق‌گرایی در اندیشه‌های فلسفی، ارزش خودش را از دست داد و با پذیرش وجوه مختلف حقایق عالم، گفت‌وگو و احترام به تنوع افکار، افزایش یافت. هم‌چنین، تقسیم قدرت سیاسی برای تضعیف دیکتاتوری، در قالب نظام دموکراسی شکل گرفت. توجه به دستاوردهای مهم علم روان‌شناسی، اهمیت رشد توأمان دو نیم‌کره مغز را (عاطفی - شهودی و منطقی - هندسی) در یک انسان متعادل نشان داد و موجبات تغییر بخشی از دروس و شیوه تدریس در نظام آموزش و پرورش کشورها را فراهم ساخت و نیز از همه مهم‌تر، تأکید



● ادبیات کودکان و نوجوانان، به عنوان بازتابنده شرایط و باورهای اجتماعی، آن چه بوده را به تصویر کشیده و کم تر به طرح الگوهای جدید در روابط و نقش های برابر دختران و پسران پرداخته است

و سنگ جادو در انگلستان زیر چاپ بود، جوان دریافت که باید به یک سازش تن بدهد. ناشران

نگران این بودند که مبدا کتابی که نام یک نویسنده زن را روی خود دارد، پسرها را به سوی خود جذب نکند. از این رو، از جوان خواهش کردند که با درج نامش به صورت جی. کی. رولینگ موافقت کند» (۳)

واقعیت این است که در کشور ما نسبت به تاریخ و تحولات عصر جدید در مغرب زمین، طرح اندیشه های تازه و پذیرش نقش های اجتماعی منطبق با نظام جمهوری، از عمر نسبتاً کمی برخوردار است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پذیرش نظمی مبتنی بر تقسیم قدرت سیاسی، ایران تلاش کرده است تا همگام با سایر کشورها و در جهت تفاهم جهانی، با اتکا به تاریخ و فرهنگ ملی و دینی خود، از تجربه های گران قدر بشری بهره مند شود. به این لحاظ، طرح حقوق زنان، کودکان، اقلیت های اجتماعی و سایر نیروهای حاشیه جامعه، تازه و دیرباور است. شکی نیست که در جامعه امروز ما به دلیل شرایط تاریخی، فرصت های یکسان اجتماعی برای دختران و پسران فراهم نبوده است. اهمیت دادن به تولد فرزند پسر، رسوبات اندیشه یک جامعه فئودالی است. از دواج زود هنگام دختران و به تبع آن، از بین رفتن فرصت رشد روانی و اجتماعی از طریق «بازی و کودکی» و نیز ادامه تحصیل، از نشانه های دیگر این نگاه تبعیض آمیز است. شادی و شلوغی و شیطنت و به عبارتی کودک بودن، به عنوان دورانی تعیین کننده در شخصیت کودک، از سوی پسرها مورد پذیرش و اقبال عمومی است، اما بروز این خصوصیات از سوی دختران، مذموم و دور از نزاکت تلقی می شود. «خانم بودن» و صفات آن از همان کودکی، معیار ارزشگذاری اخلاقی دختران محسوب می شود و بسیار موارد ریز و درشت دیگر که چنان ملکه ذهن مان شده است که کم تر می توانیم بین خودمان و سنت های غلط اجتماعی فاصله گذاری کنیم و به ترک آن مبادرت ورزیم. در این میان، الگوهای اجتماعی و رسانه های گروهی

تأثیرهای ماندگاری در این زمینه دارند. همچنین، آموزش و پرورش و خانواده به عنوان مؤلفه‌های بنیادی - در هر تغییر رفتار اجتماعی - می‌تواند در درازمدت به پایداری نگرش‌ها کمک کند. تنها پس از طی این مراحل است که می‌توانیم شاهد ایجاد فرصت‌های اجتماعی برابر بین دختران و پسران و نیز در آینده، بین زنان و مردان باشیم و سرانجام، به جامعه متعادل‌تری دست پیدا کنیم.

بر اساس مطالب ذکرشده، ادبیات کودک و نوجوان ما می‌تواند با طرح واقعیت‌های موجود به شکلی خلاق، فضاهای جدیدی عرضه کند. بی‌شک بین بیان آگاهانه و واقعیت، برای اصلاح امور و بیان سنت‌گرایانه و تأییدکننده، فرق بسیاری وجود دارد. ادبیات کودکان و نوجوانان می‌تواند ضمن طرح واقعیت‌های موجود، شرایط مطلوب را نیز نشان دهد و اتفاق‌ها را به گونه‌ای طرح بریزد که خواننده به توانایی‌ها و نقش‌های جدید خود پی ببرد. «لازم است در همه روابطمان با دیگران، نه تنها اصل دوستی و احترام متقابل را رعایت کنیم و از تبعیض بپرهیزیم، بلکه حتی وجدانه در جست‌وجوی افرادی از نژادها، قومیت‌ها، ادیان، دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های متفاوت باشیم تا با بهره‌مند شدن از تنوع حاصل، به غنای محیط بیفزاییم»^(۵).

پی‌نوشت

۱. نند، جورج جازمن، بت: **آینده اخلاقی و اخلاقی** آینده، ترجمه قاسم‌زاده، انتشارات ناهید، ص ۳۰.
۲. ستاری، جلال: **سیمای زن در فرهنگ ایران**، نشر مرکز، ص ۱۰.
۳. ناپیرو، مارک: **جادوگری در پس چهره مری پاتر**، ترجمه ویدا اسلامی، کتابسرای تندیس.
۴. محمدی، محمدهادی - قایینی، زهره: **تاریخ ادبیات کودکان ایران**، جلد سوم (دوره مشروطه)، نشر چیستا فصل شانزدهم، ص ۴۰۲.
۵. **آینده اخلاقی و اخلاقی** آینده، مقدمه کتاب.

نیز پیوسته به عادت‌های غلط ما دامن زده‌اند. تاریخ ادبیات کودکان ایران در دوره مشروطه که در آن، به بررسی نظام‌های آموزشی و پرورشی نیز پرداخته شده، مملو از تبعیض‌های نگرشی، آموزشی و تربیتی بین دختران و پسران است. «در جنبش بنیادگذاری آموزشگاه‌های نو و سوادآموزی کودکان، همواره بر آموزش پسران پافشاری می‌شد. به همین سبب، روی سخن نویسندگان آثار آموزشی با پسران بود. توجه به کودک پسر و در سایه جای دادن دختران در کتاب‌ها، بازتاب واقعی نگرش جامعه‌ای بود که آموزش را برای دختران ناپسند می‌شمرد و به پرورش مردان فردا می‌اندیشید»^(۴).

متأسفانه، ادبیات کودکان پس از انقلاب نیز با همه قابلیت‌های آشکار و قابل دفاع آن، بی‌آن که غرضی در کار باشد، دچار همان لغزش‌های یادشده و طرح نابرابری‌های متداول بوده است. ادبیات کودکان و نوجوانان، به عنوان بازتابنده شرایط و باورهای اجتماعی، آنچه بوده را به تصویر کشیده و کمتر به طرح الگوهای جدید در روابط و نقش‌های برابر دختران و پسران پرداخته است. در این ادبیات، عموماً پسران هستند که نقش‌آفرینی می‌کنند و در روند حوادث مؤثر هستند و دختران در نقش‌های حاشیه‌ای، منفعل و پذیرنده ظاهر می‌شوند. اما به هر حال، امروزه دیگر این نگرش‌های نخ‌نما جوابگوی نیازهای جامعه متحول ما نیست و ضرورت دارد تا گام‌به‌گام، پس از گفت‌وگوهای فرهنگی و تعریف و تبیین شرایط جدید، ابتدا به تفاهم اجتماعی برسیم و سپس در عمل با برنامه‌ریزی‌های مشخص، عادت‌های تلخ گذشته را از یاد ببریم.

بی‌شک، برای این کار به الگوهای فرهنگی مناسبی نیاز داریم و محصولاتی که عرضه‌کننده رفتارهای جدید اجتماعی باشد. رسانه‌های گروهی، رادیو و تلویزیون، سینما، تئاتر و ادبیات و هنر